

خلاق کیست خلاقیت چیست؟ (افزایش Iq)

سید علی حمیدی سنگدهی
فوق دکترای مدیریت DBA

خلاقیت Creativity

تعریف خلاقیت: توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده‌های مختلف (توانایی تجسم، پیش‌بینی و ایجاد ایده‌ها)

نوآوری Innovation

تعریف نوآوری: فرآیند بکار بردن یک ایده‌ی خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه‌ی مفید.

کارآفرینی Entrepreneurship

کارآفرین کسی است که تمایل به پذیرش ریسک دارد تا شرکتی را تاسیس کند و یک محصول جدید، یا فرآیند جدید را در سازمان بکار اندازد.

خلاقیت از دید بزرگان

مَنْ تَسَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُودٌ کسی که دو روزش مساوی باشد متضرر راست. (امام علی (ع))
ریشه همه ایده‌های نو و طرح‌های جدید، مدل‌های متنوع، محصولات نوآوری، ایمان به روش‌های بهتر است.

خلاقیت به دید من

فرآیندی عادی افکار ما نظیر یک تور ماهیگیری درشت است که تنها قادر است اجزای درشت و جاری را در آب جمع‌آوری کند گفتگو تور بسیار ظریفی است که قادر است ریزترین معانی شناور در جریان آب

را اسیر کند این حارست در ژرفترین لایه‌های خرد ناب واقع است (و من شوری و بینهم) یادگیری گروهی نه تنها امکان پذیر است بلکه برای درک واقعه‌ی خرد بشری حیاتی است.

چگونه یاد بگیریم (معلم ما کیست) (عالم باشیم یا عامل؟)

روی دیواری نوشته بود که دنیای معلمی بدی است چون اول امتحان می‌گیرد بعد درس می‌دهد. این نوشته غلط است چون ما می‌توانیم از امتحان دیگران درس بگیریم و لازم نیست نقطه سرخط گذاریم انسان موجودی منحصر به فرد است (هر واحد انسانی) از هشتاد میلیارد انسان که تا کنون آمده‌اند و رفته‌اند هیچ کدام شبیه و عین هم نیستند. بنابراین امتحان او هم انحصاری است زیرا مختصات مکانی و زمانی و ژنتیکی و شخصیتی او منحصر به فرد است. ولی نباید از یک سوراخ دوبار گزیده شود. بنابر (هوش و متبلور خود) آنانکه هوش سیال بیشتری دارند می‌توانند از تجربه دیگران سود برند.

انسان دوران افلاطون با انسان امروز فرق ندارد به دلیل ساختمان روحانی‌اش ساختار شکل زندگی امروز عوض شده است ولی محتوای انسانی همان انسان کهن است بر همین اساس تاکنون کسی به خوبی افلاطون تعریفی از انسان به دست نداده است. زیرا انسان به لحاظ ماهوی و نظری تغییر چندانی نکرده است. (حرص، حسد، جنگ... .) علی رقم این وجوه مشترک وجوه - افتراق فراوان نیز دارد بنابراین امتحان هر کس مختص اوست و بعضی امتحان مشابه ندارد. امتحان متفاوت پیامبران و اولیاء نمونه بارز آن است. انسان توسط هواس پنجگانه خود تجربه کسب می‌کند، می‌فهمد، درک می‌کند، اجرا می‌کند.

انسان‌ها در استفاده از هواس پنجگانه خود بسیار ضعیف‌تر از حیوانات هستند ولی در رسیدن به مقامی خاصی تازه سطحی حیوانی پیدا می‌کنند. آدمی تغییرات انرژی را حس می‌کند و در فکرش پردازش چرا باید در راه کسب تجربه وقت تلف نماید و بگوید با تجربه شده‌ام بلکه با شنیدن از اتفاقات که برای دیگران می‌افتد به تجربه پنجاه ساله در یک برسد و از نقطه دیگران که در آخر جمله گذاشته‌اند استفاده ببرد.

انسان‌ها به چند دسته‌اند:

- آنها که حس کرده‌اند در عین بیداری تغییرات انرژی در اطراف نزدیک خود حس می‌کنند بلکه دورتر را نزدیک تغییرات می‌فهمند.
- آنهایی که در خواب به این حس دست می‌یابند.
- آنهایی که معمولی هستند و یا حس را فقط آن هم هر کدام به تنهایی دارند.

پرسش‌های افزایش خلاقیت

- راه آسانتری نیست؟
- راه سریعتری نیست؟

— راه صحیح‌تری نیست؟

— راه ارزانتری نیست؟

— راه ایمن‌تری نیست؟

عوامل و زمینه‌های تاثیرگذاری در خلافت: (شرط لازم شرط کافی نیست)

خلافت به چه عواملی بستگی دارد؟

— هوشمندی (نسبت مستقیم بهره هوشی با خلافت)

— خانوادگی (شیوه تربیت و منش رفتاری خانواده)

— تحصیلات (تفاوت کمی بین افراد همسن دانشگاه دیده و غیر آنان وجود دارد).

— موقعیت اجتماعی (اوقات فراغت مناسب و زمینه‌های خود شکوفایی)

— تفکر آزاد منشانه (فکر قادر بودن توانایی)

— مستقل اندیشیدن فراغ فکر

— مسولیت پذیری

— سن (تحقیق پرفسور لهمان، استاد دانشگاه اوهایو از ۱۰۰۰ موفقیت خلاق، متوسط سنی ۷۴ سال بوده)

— جنسیت (زنان در خلق ایده‌های بدیع استعداد بیشتری از خود نشان داده‌اند).

— کوشش (انرژی فکری بیشتر از استعداد خلافت موثر است و تفاوت عمده در خلافت نیروی محرک

است نه استعداد)

مقایسه آدم با مورچه

— تعداد سلول‌های عصبی مورچه ۲۵۰ عدد.

— تعداد سلول‌های مغز بشر $10^9 \times 10$ عدد.

افلاطون و دکارت (انسان بالفطره نمی‌داند)

— ژنتیک: تغذیه (۱- آب ۲- مواد و املاح داخل آب) (در این چمن سرزنشم مکن به خود رویی

— عوامل: محیطی محیط کار که آنچه پرورش می‌دهند می‌رویم)

— جرقه‌ها: محیط زندگی

— انگیزه‌ها

— هدف بوجود آمده

— استفاده از زمان (مثل نور محمد (ص) در دوران کودکی) (پول)

- ایمان و اراده (برای فرد با ایمان توضیح لازم نیست ولی برای کسی که ایمان ندارد هر توضیحی بی فایده است.)
- خواستن (باید) فاصله تا کلید (سخت نگیریم ۵ تومان بیشتر داریم)
- تلاش و پشتکار
- تشویق
- استفاده از شیوه درست (حتی سلام کردن جذب انرژی در زمان درست حتی در بین نماز)
- اعتقاد به کوتاه ترین راه
- اعتقاد به ممکن بودن (پله اول داناتر)
- جذب انرژی IQU بزرگ کردن شعاع
- الگو برداری یا ادا در آوردن
- قطع عوامل دست و پا گیر
- دیدن نکات منفی طرح
- سفر
- کار گروهی و مشورت (۱-۱۱۱-۱۱) (بیست مصباح از یکی روشن تر است - کین خردها چون مصباحی نور است.)
- اعتقاد (۵۰+۱۰ نه ۹۰+۱۰) (خوشبین هستم) اعتقاد به درون
- خود باوری - ایرانی ها مگر خودکار استفاده می کنند دکتر ال بویز
- جفت بودن کورتکس های مغزی در ایرانی ها (میشل فوکو)
- گفته ارسطو به اسکندر ارسطو استاد اسکندر آب و هوا در ایران
- ایجاد فضای مناسب
- اعتماد به نفس و اراده (ای نسخه اسرار الهی که تویی - وین آینه جمال شاهی که تویی
- بیرون زه تو نیست هرچه در عالم هست - از خود بطلب هر آنچه که خواهی که تویی)
- صبر (از سقف می آیم جدیداً) (اندکی باید که در مثنوی تاخیر شد مهلتی باید که خون هم شیر شد)
- مقابله با هرگونه عذر (پیرم - کودکم - به شانس)
- انتقاد پذیری (انتقاد همراه با ایده)
- نوشتن (بیاید با نوشتن علم را در بند کشیم محمد (ص))
- افکار منفی را کلیک نکنیم تا ویروس وارد فلاپی نشود.
- توجه به شکست (من به اندازه ای که از شکستم درس گرفتم از موفقیتم درس نگرفتم. هرکس زیارت مدینه بیاید و کوه احد را زیارت نکند بر من جفا کرده است محمد (ص))
- بازی ها و سرگرمی ها

روحیه

داشتن روحیه در هر کاری متناسب با همان کار باید بررسی و جزعی از الزامات می باشد. داستان تنبی فردش من و نداشتن روحیه در ساعات اولیه سفر ولی بعداً چقدر با روحیه شدم (امامزاده عباس ساری) می گویند افلاطون برای فردی نان به بازار می رود و نمی تواند نان را بفروشد آخر اولین نفر که پرسیده بود نان چند گفت کمی و یا کیفی و تا غروب بحث در مورد کمی یا کیفی بالا گرفت. ایمان خداوند آنقدر به یقین از دیدگاه علمی افزود که شاید دیگر لازم نباشد به ایمان برسم.

براساس ظرفیت حرف زدن

آری بر اساس ظرفیت حرف بزیم تا حرفمان در اشخاص نفوذ کند چون انسانها با اساس ظرفیتها حرفها را درک و اجرا می کنند و ما نیز به درونمان بر اساس ظرفیت ساخته خودمان باید حرف بزیم پس اول ظرفیت را به وجود می آوریم و بعد تمرین می کنم و بعد حرف می زنیم و بعد در دیگران بعد از به باور رسیدن خودمان باور ایجاد می کنیم. پیامبر (ص) و سوال یکسان سه نفر و جواب مختلف ایشان برای سوال اندازه زمین در مقابل خورشید و مقایسه آن اول — به اندازه کف دست. دیگری به اندازه سفره و دیگری به اندازه زمین اسب دوانی.

شیوه آموختن و گرفتن و دادن

دنیا بزرگ است و کهن و شیوه آموزشی مختلف است. تمام افراد را با یک نمونه نمی توان درمان کرد یک نفر را با بحث فلسفی قانع می کنیم یکی را با نسخه عرفانی و دیگری را از راههای دیگر. موضوع بحث ابوعلی سینا و ابو سعید ابلخیر (آنچه را تو می دانی من می بینم و آنچه را من می بینم تو می دانی)

پیگیر بودن

سه مج بودن (بز کوهی با دو مج بر روی سنگهای کوه راه می رود حال اگر سه مج داشته باشد چطور؟ پیگیر بودن کارها و ممتد به آن فکر کردن (مانند ریختن آب و اگر ممتد نباشد زین پا سبز است) از نقطه نظر عمق و یا فاصله در سطح آب نمی گیرد چون انرژی هدر می رود

نگهبان خود بودن

داستان نگهبان کاخ و نگهبان آب

همگن کردن

یا سیب را به پایین بیاورید یا خود را به سیب برسانید تا هم سیب از خودش لذت برد و هم شخصی از خوردن سیب در هر دو حالت برای فهم یک مطلب و یا فهماندن مطلبی باید زمینه همسطحی را محیا کرد. ادا در آوردن (داستان حضرت موسی، داستان تنیس بازی من) استفاده از تجربه دیگران (تعریف درست تجربه چرا که لازم نیست بلکه از تجربه دیگران یاد بگیریم آری لازم نیست با گاز بسوزیم - با کبریت - با زغال و... بعد بگویم که انسانی با تجربه هستیم. دوست شدن با خدا (انشاءالله گفتن) و انشاءالله نگفتن محمد (ص) به این که خداوند بزرگ است مجموعه ای از همه انرژی های هستی است پس اگر کمی از خواص خود را چون دارای - دانای - توانایی - پول و... را به ما بد هد نه این که دانش بزرگ است یک مشت دارایی به من دهد در دید دیگران بزرگ جلوه می کنیم.

توجه داشتن: به سادگی از کنار هر چه نگذریم و این گوش درب و آن گوش دروازه نباشد کمی اجازه دهیم که شنیده ها توسط گوشمان در مغز ما بماند تا پردازش شود.

چه کسی مقصر است. گدا مستحق گدائی است و عمومی من اگر دارا است مستحق دارا بودن است. ما هرگاه در کاری نتوانیم کاری را انجام دهیم به گردن دیگران می گذاریم و اگر نفهمیم در صندوق مسائل خرافات می گذاریم. در حالی که این ضعف از آن خودمان است.

جبر یا اختیار: خدا را شکر می کنیم که همه جا همراه ماست. مانند و ما و بچه مان در پارک - مانند روی یک پا ایستادن آدم ها فرمول های موجود و یا... برای کارهای فیزیکی و اثبات مبانی علمی بعضی از راهکارهای تک نیستند و چندین راه برای اجرا وجود دارد حال برای کارهای متافیزیکی و غیرظاهری که به افکار بستگی دارد حتماً راه های بیشتری خواهد بود. لذا آدمی و هستی با توجه به تعداد اجزای آن دارای $\log L_n^n$ می باشد.

روزی به شخصی که به من مراجعه کرده بود و طلایی نام داشت و از من فرمولی برای دیدن ماورا و آدمی ماورا خواسته بود درمانده بودم ولی در نهایت گفتم برو و بیست روز به خودت دروغ نگو و روزه زبان بگیر و غیبت نکن و نماز را اول وقت بخوان آن وقت به معرفت می رسی جالب بود به هدف رسید و بگریه مهندس من امام زمان خود را دیدم حتی به ظاهر... و جالب تر این بود که من با این فرمول کار انجام ندادم و ایشان با این فرمول ساده چراغی را روشن کرد و نادیدنی ها را دیدنی می کرد. و یا مثال بابا طاهر و آب یخ و مردی که برای شاعر شدن خود را به درون آب یخ انداخته بود.

از درون خواستن (خواستن توانستن)

و این جمله را هم می گویم ولی...؟!

داستان موسی و چوپان که خواست چون موسی دوست خداوندت گردد. و داستان من و سگ چوپان که اینجانب آیه ۱۷ سوره اصحاب کهف را غلط خوانده بودم و...
و داستان بگو بسم الله از آب رد می شوی و داستان مولانا و شمس یکی از خصلت‌های خوب فرعون (خدا بودن - پذیرا بودن)

تجربه: من به اندازه‌ی پیشینیان عمر ندارم ولی به اندازه‌ی همه آنها عمر دارم (با مطالعه در تاریخ) (علی ع) نهج البلاغه) رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند...

موانع خلاقیت

فراهم نکردن همه زمینه‌های خلاق شدن که در قبل گفتم و موارد زیر

- ۱- ارزیابی افراد بر مبنای انتظارات (ترس از ارزیابی توسط دیگران) (باید کار برای خود باشد نه برای دیگران)
- ۲- نظارت و مراقبت (احساس تحت نظر بودن)
- ۳- پاداش بیرونی (عدم توازن بین پاداش و عمل)
- ۴- رقابت (محدود نکردن آزادی دیگران) رقابت نه حسادت یا باید طوری برخورد کرد تا طرح نو بماند.
- ۵- انتخاب محدود (محدودیت چگونگی انجام کار) آزمون و خطا نباید محدودیت داشته باشد (ادیسون)
- ۶- گرایش به پاداش‌های بیرونی (افراد خلاق برای محرک‌های درونی ارزش بیشتری قائل هستند).
- تشکر در خلاقیت اگر چه کم باشد
- ۷- کم روئی تشویق عامل رفع آن
- ۸- دلسرد کردن: ۱- توری از احمق جلوه کردن ۲- هم رنگ شدن شدن ۳- عدم اعتماد به نفس
- ۹- عادات پیشین مانع حل مسائل ۱- خواب ۲- دروغ
- ۱۰- سنگ اندازی‌ها (مثل قطار به گفته طالقانی)
- ۱۱- خوشبینی (قسمت پر لیوان) ← رفع موانع خلاقیت

راهکارها به صورت کلی

- استفاده از مراکز مشاوره قوی
- استفاده از مدیران قوی به جهت مهارت مادی و معنوی
- تجمع مخترعین و ساخت کارکردهای مرتبط
- به کارگیری صنعتگران در دسترسی به ساخت ابزار
- شناخت مراکز قوی صنعتی و الکترونیکی

- راهکارهای شناخت مراکز لینک داخلی و خارجی
- ارتباط قوی با محیط های دانشگاهی و پژوهشی
- کاشت بذر ایده در بین محققین. دانش آموختگان
- بالا بردن فرهنگ نوآوری در بین احاد مردم از جمله قشر تحصیل کرده
- ساخت یک سایت و استفاده از اتفاقات دنیا
- همکاری قوی با رسانه ها تلویزیون و روزنامه به جهت شناخت راه های عدم خلاقیت در سازمان ها

دلایل عدم مشارکت کارکنان

- احساس عدم تعلق و وابستگی کارکنان به سازمان
 - مغایر بودن هدف های فرد و سازمان
 - فقدان انگیزش برای کار گروهی
 - وجود سبک های مختلف مدیریتی در سازمان
 - احساس بیم و خطر از مشارکت از سوی هر یک از طرفین کارکنان و مدیران
 - عدم وجود خصلت های کار گروهی
 - کمبود آموزش های لازم
 - نبود زمان و فرصت کافی در اختیار مدیران و کارکنان برای مشارکت
 - ضعف مدیریت
- خدا آگاه است: يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ (آیات الکرسی)
- (به آنچه که در پیش روی شما و پشت سر شما (بعد از شما) اتفاق می افتد او آگاه است و هیچ کس بر علم خداوند احاطه ندارد مگر آنچه که او بخواهد).
- چه از خدا بخواهیم؟
- ای دهنده ی عقل ها فریادرس تا نخواهی تو نخواهد هیچکس
- ای دهنده قوت و تمکین و ثبات خلق را زین بی ثباتی نجات
- صبرشان بخش و کفه میزان گران و رهان چون از دم صورت گران
- پادشاهان بین که لشکر می کشند از حسد خویشان خود را می کشتند
- ویس و رامین خسرو و شیرین بخوان تا چه کردند از حسد آن ابلهان
- از افلاطون پرسیدن از خدا چه می خواهی گفت (نعمتی که خیرش از شما منفصل نشود)
- برای معروفیت باید به معروف وصل شویم (نکره مضاف - داستان تاجر و دانشجوی علم نحو
- سعدی می فرماید: نکویم نسبتی دارم با نزدیکان در کاهت که خود را با تو مینند به سالوسی و جراحی

اشرف مخلوقات: آیه اشرف مخلوقات در قرآن: (فهم و درک و شعور تقریباً از یک مصدر هستند و یک مظهر مشترک دارند).

فهم، درک، اجراء، شعور (تقریباً از یک مصدر هستند) در موجودات دیگر نیز است و انسانها همچنین

خدا شدن

تا نکردی آشنا زین پرده رازی نشنوی کوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

ای آنکه تو طالب خدایی به خود آ از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا

اول به خود آ چون به خود آیی به خدا اقرار نمایی به خدایی خدا

خداوند و دم او که در ما دمیده (کمی از خدا بودن)

ما عددی نیستیم

ما همه نسبی هستیم. خاک خورده هستیم شاید تفاوت این جلسه با جلسات دیگر همین باشد.

الحق و ماهیت و هویت و عنیت (همه چیز چیستی دارد اما او ندارد) همه (وجود - ماهیت)

دلم کرد جهان کشت نیابید مثالش به که ماند به که ماند به که ماند

تو خوشبینی که در دنیای خاکی بدانی هر چه را نادیدنی بی

برو اعددی نیستی (کوچه بازاری) (بر اساس حروف ابجد)

علم چیست؟

العلم نور محمد (ص) طلب کن علم را از گهواره تا زمانی که بر رویت لحد می گذارند «اطلب العلم من المهد الى الحد»

حضرت علی (ع) می فرمایند: شنیدم از رسول خدا که فرمودند طلب علم بر هر مسلمانی واجب است علم را طلب کنید از جایگاهش هر جا که ممکن است و آن را از اهلش فرا بگیرید و بیاموزید پس به درستی که یاد دادن آن در راه خدا حسنه است و طلب آن عبادت و مذاکره آن تسبیح و عمل به آن جهاد و یاد دادن آن به کسی که نمی داند صدقه و بذل آن به اهلش وسیله نزدیک شدن به خدای تعالی، زیرا که علم راهنمای حلال و حرام و راهنمای راه های بهشت است و مونس در وحشت و هم نشینی در غربت و تنهایی و سخن گو در خلوت اوست و راهنمایی در سختی و آسانی و سلاح در برابر دشمنان و مایه زینت در نزد دوستان است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ای اباذر ساعتی نشستن در مجلس علمی محبوبتر است نزد خداوند از قیام هزار شب که در هر شب از آن هزار رکعت نماز گزارده شود.

تعصب در علم برای دفن کردن خرد بشر است و محدود کردن معرفت

غربیها (علم تجربه است و تجربه علم و معرفت هیچ)

امام خمینی (علمی که در آن تذهیب نباشد برای بشر خطر ساز است)
 پرسش از من که شما علوم را باهم قاطی میکنید؟ در دانشگاه مازندران
 پرسش دانش آموزان از من در خصوص درخت آزاد
 فضای هر ظرفی از محتویات درون تنک تر تر میشود مگر ظرف علم (علی (ع))

ما چگونه عالم شویم؟

انسان بزرگ برای خود سخت میکشد و انسان کوچک برای دیگران
 ما چگونه عالم شویم (و جهانی که به خود شدن بستگی دارد یا عقلانی که باز به خود شدن بستگی دارد)
 (سوره نساء آیه ۱۶۲)
 به صورت معمولی درس می گیرند (آن کسانی که در علم و دانش قدمی راسخ دارند) (آنها کسانی هستند
 که خداوند اجری عظیم به آنها عطا می کند.)

– مخترع شویم

– نوآور شویم

– قدرت ریسک پذیری

– انسان موفق

– کار آفرین باشیم مدیریت بر کار داشته باشیم (بر فکر)

خردمند کیست؟

خرد مند کسی است که از اشتباه دیگران میگذرد ولی اشتباهات خود را هیچگاه فراموش نمیکند
 به خدا قسم هر خرد داشتیم کی این سرانجام بد داشتیم (فردوسی)
 علی (ع) می فرماید هرکس دو روزش شبیه هم باشد از ما نیست
 دانستن چیست؟

شناخت خود و درون خود

شناخت دو بعد خود

لذات دنیوی (شهوت، خوردن، خوابیدن، راحتی مزاج) اما اگر لذت ترک لذت بدانی ذکر لذت دنیا را
 لذت ندانی مرد سیرک باز (چگونه با شیر بازی میکند)
 به سقراط گفتن یک نصیحت (گفت برو خود را بشناس)
 همواره بدانید که دانستن توانستن است و توانستن دانستن

انرژی چیست؟ ($E=mc^2$)

در موجودات زمین دختر خورشید- لایه های مغناطیس زمین

اثر انرژی بر موجودات

انرژی و استفاده از آن

انرژی و اثر آن بر دیوان و جنیان

انرژی در آدمی

نقص انرژی مریضی عدم تعادل انرژی (بوعلی - عالم صغیر و عالم کبیر)

انرژی و لذت (پیامبر (ص) نگاه کردن به محیط سبز، چهره زیبا، آب روان، دل را قدرت و چشم را قوت می دهد).

سقراط همچنین گفته: آدمی و رخوت مرگ انسان حاصل چنین نظم و بی نظمی ایست (آندروپی) لحظه‌ی تولد در اکثر نظم و لحظه‌ی مرگ حد اکثر بی نظمی.

انرژی و مرتبط بودن آن با IQ

انسان و حواس او: انسان توسط هواس پنجگانه خود تجربه کسب می کند می فهمد - درک می کند - اجرا می کند انسان ها در استفاده از هواس پنجگانه خود بسیار ضعیف تر از حیوانات هستند ولی در رسیدن به مقامی خاصی تازه سطحی حیوانی پیدا می کنند. آدمی تغییرات انرژی را حس می کنند و در فکرش پردازش چرا باید در راه کسب تجربه وقت تلف نماید و بگوید با تجربه شده ام بلکه با شنیدن از اتفاقات که برای دیگران می افتد به تجربه پنجاه ساله در یک ثانیه برسد و از نقطه دیگران که در آخر جمله گذاشته اند استفاده ببرد.

انسان ها به چند دسته اند:

۱- آنها که حس کرده اند در عین بیداری تغییرات انرژی در اطراف نزدیک خود حس می کنند بلکه دورتر را نزدیک تغییرات می فهمند.

۲- آنهایی که در خواب به این حس دست می یابند آنهایی که معمولی هستند و با حس را فقط آن هم هر کدام به تنهایی دارند.

چگونگی جذب انرژی از محیط

بهترین شیوه جذب انرژی

بهترین شیوه جذب انرژی

(زمان - مکان - حضور) نماز

عبادت در ادیان برای جذب انرژی

در یک جهت ایستادن - جمع بودن - کلماتی را بیان کردن برای آنکه خود شویم.

انرژی خورشیدی نمی سوزاند ولی می شود با یک قطعه یخ آتش ساخت (هم کراکردن کانون ها)

شیوه جذب انرژی

همیشه گام اول را درست برداریم.

برنامه‌های ذهن را باید بنویسیم (دوراندیشی، هدف، ریزکاری)

افکار را که برای مان سنگین می‌کند به کاغذ تحویل دهیم.

به چه روشی در ذهن جاری شود (خلاقیت) کافی است یک بار انجام دهیم - اصول رازداری (در ابتدای کار قبل از به نتیجه رسیدن)

سعی کنیم رازدار باشیم زیرا پاره ای از مردم دارای عزت نفس ضعیف و فقر خود تجسمی و خود شناسی دارند. و چشم ندارند موفقیت دیگران را جلوتر از خود ببینند. به عنوان چیزی که دایما وجود دارد به آن نگاه کرده و خود را به آن عادت دهید.

استفاده از شیوه درست: (حتی سلام کردن جذب انرژی در زمان درست حتی در بین نماز)

تعقیر (خلاقیت از دید بزرگان)

مَنْ تَسَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُودٌ کسی که دو روزش مساوی باشد متضرر است. (علی (ع)

(ریشه همه ایده های نو و طرح های جدید، مدل های متنوع، محصولات نوآوری، ایمان به روش های بهتر است) امام علی (ع)

افلاطون و دکارت (انسان بالفطره نمی‌داند)

شکسپیر می‌گوید (همه ما می‌پذیریم که چه هستیم ولی از نیروی خلاقانه‌ی خویش بی‌خبریم).

تعریف خلاقیت

فرآیندی عادی افکار ما نظیر یک تور ماهی گیری درشت است که تنها قادر است اجزای درشت و جاری را در آب جمع آوری کند گفتگو تور بسیار ظریفی است که قادر است ریزترین معانی شناور در جریان آب را اسیر کند این جاریست در ژرفترین لایه‌های خرد ناب واقع است (و امرهم شوری و بینهم) یادگیری گروهی نه تنها امکان پذیر است بلکه برای درک واقعیهی خرد بشری حیاتی است.

کسی که خود را روح خود را برای تیرهای انتقاد فراهم میکند

توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده‌های مختلف (توانایی تجسم، پیش بینی و ایجاد ایده ها)

کسی که بتواند لامپ اراده خود را در درون خود روشن می‌کند لامپی که در فاصله‌ای به اندازه خواستن قرار دارد.

کسی که برای رسیدن به اوج به خود اتکا داشته باشد.

کسی که از شکست و یا موفقیت دیگران استفاده نماید.

کسی که خدا را بزرگ و خود را کوچک می‌شمارد.

کسی که میدان مغناطیسی خود را بزرگ می‌کند.

یعنی فقرایند تبدیل افکار به رفتار و رفتار به کردار.
کسی که کوکش را با عالم یکی می کند.
روشی برای رورویی با چالش ها و برطرف کردن آن.
یعنی دیدی باز برای هر عمل پیش رو.
کسی که از آشفته کی ذهن خارج است و روح خود را در جستجوی راهی خلاقانه آماده می کند.
خلاقیت حالتی است کنخ موانع و دیوارها ذهنی برداشته میشود و احساسات به صورت آزادانه جریان پیدا می کند.
آدمی که نا امیدی شکستد و موانع را قبول دارد و برای چیره شدن بر آن مبارزه می کند.

تکنیک های خلاقیت

طوفان های ذهنی (حقیقت یابی، ایده یابی، ارزیابی)
چرا (در کودکان)
توهم خلاق (از راه بذرها ن خلف)
p. m. t الگوی ذهنی (خوشبینی بودن)
D. o i. t تعریف کردن هدف را آماده کردن
نیلوفر آبی (برک فکر مرکز ساقه)
چه می شود (پرسش های که برای هر موضوع طرح می شود)
اسکمبر (اعتقاد به جایگزینی چه چیزی)
در هم شکستن مفروضات (بدون غرض برسی کردن)
تجزیه و تحلیل مورفو لوژی (شگل ظاهری، کاربردها، خواص و فواید، وضعیت مشتریان بالقوه، تبیین تدوین، طرح)
دلفی (شبیه تکنیک طوفان ذهنی) مدیر گروه تخم ایده می کارد و ایده ها را جمع می کند.
تکنیک بازگشت مشتری.
استخوان ماهی (جمع آوری فهرستی از کلیه علل احتمالی یک مهم یا یک امر .
تکنیک گروه اسمی (مشارکت همه)

نوآوری Innovation

تعریف نوآوری: فرآیند بکار بردن یک ایده ی خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه ی مفید.

کار آفرینی Entrepreneurship

کسی است که توجه و تمرکز به بازار و نیاز دارد و این خصلت او را از دانشمندان و مخترعین جدا می کند. کارآفرین کسی است که تمایل به پذیرش ریسک دارد تا شرکتی را تاسیس کند و یک محصول جدید، یا فرآیند جدید را در سازمان بکار اندازد. ژوزف شومپتر (فرانسوی) را پدر علم کارآفرینی می دانند. به اشخاص پراراده نیز گفته می شود.

اقسام کارآفرینی

- فردی (مستقل - سازمانی)
- گروهی (شرکتی - اجتماعی)

سوالات پیش آمده تحقیق:

یک فرد کارآفرین چه ویژگی های دارد؟ چرا این کار را انجام می دهد؟ انگیزه او چیست؟ هدف او چیست؟ برنامه آن چیست؟ رویکردها چیست؟ رویکرد رفتارهای آن چیست؟ از چه شیوه ای استفاده می کند؟ الگوی - ژنتیک. . . چیست؟ کارآفرین در چه زمانی و در مکانی این کار را انجام می دهد؟ هنجارها و ناهنجارها چیست؟ باورهای اجتماعی چیست؟

ویژگی های فرد کارآفرین

- فردی خلاق و نوآور
- متفاوت بودن
- استفاده مطلوب از زمان
- تلاش
- اعتقاد به شیوه جدید.
- لینک بین امکانات مالی، ابتکارات، مذاکرات را بلد خود را می شناسد (موقعیت، سرمایه، دستمایه هنر، خلاقیت)
- ریسک پذیر است.
- در مقابل شکست ها مقاوم است.
- اعتماد به نفس دارد.
- جهت گیری در جهت فرصت.
- اصرار بر حل مشکل.

- استقلال طلبی.
- نیاز به توفیق.
- مخاطره پذیر.
- تحمل شکست دارد.
- انتظار تشویق ندارد (امادگی به بی اتنایی دارد)
- استفاده از موقعیت
- تصمیم گیری به موقع
- جذب سرمایه و افزایش آن
- آینده نگر و برنامه برای آینده
- به سود فکر کردن
- اعتقاد به روشی بهتر

تعاریف کارآفرین

- ۱- کسی که بتواند فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با دستمایه خودش بکار ببرد. (پیتز دراگر)
کسی که خلاق باشد و یا از خلاقیت دیگران استفاده نماید و لینک بین خلاقیت و اجرا را بداند.
کسی که به منظور تحقق ایده‌اش عوامل مورد نیاز را به خدمت بگیرد (تجهیزات - مواد اولیه) و با استفاده از قدرت تصمیم‌گیری مهارت‌ها و استعدادهای فردی را محقق سازد و وسیله طراحی، سازماندهی، راه‌اندازی و مدیریت واحد را فراهم سازد.
کسی که از یک چیز بی ارزش یک چیز بی ارزش بسازد. (جفری تیمونز)
کارآفرینی فرایندی با خلق چیزی نو است.
کسی که به موقع و به دقت حرکات خود را طرح‌ریزی می‌نماید.
- ۲- کسی که متناسب با نیاز جامعه و بازار و تقاضای موجود آن را به جامعه ارائه نماید. (رابرت هیسریچ)
کارآفرین کسی است (خلاق، نوآور، عشق به کار و تلاش مستمر، پویایی، مخاطره‌پذیری، آینده نگر، ارزش‌آفرینی، آرمان‌گرایی، فرصت‌گرایی، نیاز به پیشرفت، مثبت‌اندیشی) (مکه کاه لند)
فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فرد از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها.

وجه مشترک کارآفرینان

- توانای نفوذ بر دیگران سازگاری با دیگران ability to influence others
- کمال‌جویی throughness
- تعهد dommitment

- استقلال indeperdnt
- رشدگرایی oriented growth
- دور اندیش fpresight
- سودگرایی پافشاری طلبی orientation
- بلوغ balanace
- تهاجمی بودن یکپارچگی aggresssiveness
- توانایی ability
- آرزومندی ambitious
- خودجوشی starting
- الگوشناسی pattern recognition
- تعادل maturity
- دقت accuracy
- کارآمدی efficacy
- تعهد commitment
- صداقت honesty
- دانش تولید بازار و فناوری foresight
- انعطاف پذیری flexibility
- مسئولیت پذیری responsbhlety
- پویایی leadership
- کمال جویی thrughness
- توانایی در تصمیم گیری ability to influence others
- هوش hntdigemce
- نوآوری inrovetive
- خوشبینی optimism
- انرژی energy
- اعتماد به نفس perservance determination
- ابتکار initaive
- دوراندیشی foresight
- همکاری cooper ativeness
- رهبری dynamism

- دقت و قدرت پاسخ کویی
- استعداد resourcefulness
- قابلیت پذیری versatility
- پشتکار diligence

فرایند یک کارآفرین

- ۱- شناسایی و ارزیابی فرصت‌ها
- ۲- تدوین طرح
- ۳- شناخت کاستی‌ها
- ۴- تامین منابع مالی
- ۵- اداره کردن

عوامل تاثیرگذار بر کارآفرینی

- ۱- شرایط اقتصادی (منابع مالی وام)
- ۲- نیروی کار (نیروی ماهر)
- ۳- تسهیلات فیزیکی (دفتر کار)
- ۴- زیرساخت‌های اقتصادی (جاده - تلفن)
- ۵- خدمات تخصصی (حسابداری - مشاوره)
- ۶- محیط اقتصادی کلان (تورم - نرخ بهره)
- ۷- ساختار و پویایی صنعت
- ۸- چهارچوب‌های قانونی و مقررات
- ۹- سرمایه‌های اجتماعی
- ۱۰- جنبه‌های فردی کارآفرینان

چگونه یاد بگیریم: (معلم ما کیست) (عالم باشیم یا عامل؟)

روی دیواری نوشته بود که دنیای معلمی بدی است چون اول امتحان می‌گیرد بعد درس می‌دهد. این نوشته غلط است چون ما می‌توانیم از امتحان دیگران درس بگیریم و لازم نیست نقطه سرخط گذاریم انسان موجودی منحصر به فرد است (هر واحد انسانی) از هشتاد میلیارد انسان که تاکنون آمده‌اند و رفته‌اند هیچ کدام شبیه وعین هم نیستند. بنابراین امتحان او هم انحصاری است زیرا مختصات مکانی و زمانی و ژنتیکی و شخصیتی او منحصر به فرد است. ولی نباید از یک سوراخ دو بار گزیده شود. بنا بر (هوش و متبلور خود)

آنانکه هوش سیال بیشتری دارند می‌توانند از تجربه دیگران سود ببرند. انسان دوران افلاطون با انسان امروز فرق ندارد به دلیل ساختمان روحانی‌اش ساختار شکل زندگی امروز عوض شده است ولی محتوای انسانی همان انسان کهن است بر همین اساس تا کنون کسی به خوبی افلاطون تعریفی از انسان به دست نداده است. زیرا انسان به لحاظ ماهوی و نظری تغییر چندانی نکرده است. (حرص، حسد، جنگ. . .) علی رقم این وجوه مشترک وجوه - افتراق فراوان نیز دارد بنابراین امتحان هر کس مختص اوست و بعضی امتحان مشابه ندارد.

اثر یک کارآفرین

- اشتغال
- انتقال تکنولوژی
- بهبود کیفیت زندگی
- نوآوری در انعطاف پذیری محیط
- تولید رفاه - ثروت - دستمایه
- تحریک و تشویق و حس رقابت
- شناخت و ایجاد رقابت و ساخت بازار دید
- کشف منابع جدید و ساماندهی و استفاده از آنها
- رفع مشکلات - شکاف‌ها - تنگناها بازار و اجتماع
- تقسیم متناسب درآمد و کاهش اضطراب‌های اجتماعی

خلاصیت به چه عواملی بستگی دارد؟

آیتم‌های موفقیت عوامل و زمینه‌های تاثیرگذاری در خلاصیت: (شرط لازم شرط کافی نیست)
یکی نیست (مانند ساخت خانه - مگر می‌شود فقط با یک پنجره خانه ساخت و یا فقط با یک سیمان)
ژنتیک

- شغل به عنوان بک عامل محیطی
- تغذیه (۲- مواد و املاح داخل آب)
- در این چمن سرزنش مکن به خود رویی که آنچه پرورش می‌دهند می‌رویم

اراده چیست؟

- (۱) (ای دنیا تو سختی من از تو سختتر)
- چگونه انرژی جذب کنیم و یا نگه داریم

انرژی و خلّاقیت

انرژی و تجمع آن استفاده توسط بشر

اراده یک لامپ درونی است با کلیدی به نام باید فاصله به اندازه خواستن قرار دارد

زن بیمار و سید قلبی

بسم الله و استاد و آب

مولاناو شمس

داستان کربه سیاه

اراده می تواند آهن را ذوب کند و کوه را شن

(۲) قدرتمندترین قدرت عالم همانا اراده است.

افکار به واسطه اراده و خواستن فوق العاده قدرتمند هستند و اندیشه شما تجلی پیدا می کند. یک مطلب را بارها برای خود تکرار کنید و اجازه دهید در ضمیر خود آگاه و هشیار شما جای بگیرد و افکار شما متجلی گردد.

ارتعاشات نیروی ذهنی دقیقترین و نتیجه قویترین ارتعاشات در هستی هستند. (چارلز هانلر)

ای بردار تو همان اندیشه ای ما بقی خود استخوان و ریشه ای

گر بود اندیشه ات گل گلشنی ور بود خاری تو هیمه ی گلخنی (مولوی)

اراده و اثر آن بر نفس

اعتماد به نفس و اراده

(ای نسخه اسرار الهی که تویی - وین آینه جمال شاهی که تویی)

(پیرون زه تو نیست هرچه در عالم هست - از خود بطلب هر آنچه که خواهی که تویی)

ای آنکه تو طالب خدایی به خود آ

از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا

اول به خود آ چون به خود آیی به خدا

اقرار نمایی به خداوندی خدا

ساده دیدن سبک شمردن

سخت نکر فتن

استعداد

را بکار ببندید

بکاربردن احساسات (دست کشیدن دست روی چراغ جادو)

ما هم دیو داریم قوی تر و آماده دستورات ما است. ولی از وجود آن بی اطلاع هستیم سالهاست که این دیو در خواب می باشد. پس وقت آن رسیده که آن را بیدار کنیم. این نیست که ما فکر می کنیم و چیزی را صدا می کنیم در جهت مثبت و یا منفی دنیا به ما جواب می دهد بلکه در دنیا هست و ما می فهمیم.

تصویر سازی (تخیلات یا واقعیت؟)

مهمتر از دانستن و معلومات قوه تصور و خلاقیت است (آلبرت انیشتین) هیچ رویای نیست که به واقعیت نپیوندد ژول ورن و تخیلات او چگونه مورد تمسخر همگان می شده است و داستان به فضا رفتن آن چگونه بوده است.

انسان روزی پر در می آورد. (داوینچی) و در زمان خود مورد تمسخر قرار گرفته بوده است تصویرسازی فرایند خلق تصاویر در ذهن است. وقتی شما تصویرسازی می کنید، اندیشه و احساس داشتن آن را خلق و تجربه می کنید سپس قانون طبیعت، تفکر شما را به حقیقت بدل می کند. (البته با استفاده از شما) شکست به یاد نیاورید مگر گذشته و مشکلاتش را رها کنید.

از باورهای فرهنگی و اجتماعی فاصله بگیرید. شما تنها کسی هستید که می توانید زندگی شایسته‌ی خودتان را مهیا کنید. قدرت شما در افکار شماست. بنابراین آگاه باشید. به عبارت دیگر به خاطر داشته باشید که به خاطر بیاورید.

در پایان روز، قبل از آنکه به خواب بروید، حوادثی را که در طول روز برایتان پیش آمده، مرور کنید. هر حادثه‌ای را که مطابق میلان نبوده به گونه‌ای که می خواهید در ذهن خود به تصویر بکشید.

شکست مایه پیروزی است (پذیرفتن شکست)

تشکر کنید از خود (که از خدا تشکر کردی از انرژیهای هستی)

قدردانی فرایند قدرتمندی ست که هم انرژی شما را افزایش داده و جابه‌جا می کند و هم شما را به خواسته هایتان می‌رساند. اگر قدردان داشته‌هایتان باشید، چیزهای خوب بیشتری را به خود جذب خواهید کرد.

پیشاپیش به خاطر آنچه می‌خواهید داشته باشید، تشکر کنید، بدین ترتیب، پیام‌های مثبت بیشتری را نصیب خود خواهید کرد.

استعداد را بکار ببندید

بکاربردن احساسات

(دست کشیدن دست روی چراغ جادو)

ما هم دیو داریم قوی تر و آماده دستورات ما است. ولی از وجود آن بی اطلاع هستیم سالهاست که این دیو در خواب می باشد. پس وقت آن رسیده که آن را بیدار کنیم.

این نیست که ما فکر می کنیم و چیزی را صدا می کنیم در جهت مثبت و یا منفی دنیا به ما جواب می دهد بلکه در دنیا هست و ما می فهمیم. تضاد درون و برون: (نیت درست) اطمینان حاصل کنید که افکارتان، کلمات، و اعمالتان، هیچ یک در تضاد با خواسته هایتان نباشد. قبل از هر چیز به خودتان بپردازید، اگر خودتان را دوست نداشته باشید چیزی برای ارائه به دیگران نخواهید داشت.

زمینه فهم

در برابر هر چه مقاومت کنید همان را به خود جذب می کنید، قدرتمندانه تمام احساس خود را روی آن متمرکز می کنید. اگر قصد تغییر دادن چیزی را دارید، به درون خود مراجعه کرده و با اندیشه و احساسات علامت جدیدی به عالم هستی مخابره کنید. چه شغلی انتخاب کنیم (دوستی با خدا) نه آمدن دست ماست و نه رفتن یک گیم می خواهیم بازی کنیم پس خوب بازی کنیم. شاملو می گوید: تولد یک اتفاق است و مرگ یک واقعیت چارلی چاپلین: شاید زندگی آن جشنی نباشد که دلمان می خواست به آن دعوت شویم، حال که ناخواسته پا به این جشن گذاشته ایم پس تا می توانیم زیبا برقصیم. قانون انتخاب طبیعی داروین: هر کسی که با محیط اطراف خودش سازگاری بیشتری داشته باشد. زنده می ماند. پول یک انرژی است: برای جذب پول به ثروت توجه کنید. غیرممکن است، در حالی که به کمبود پول فکر می کنید، قادر به جذب پول زیادی به زندگی تان باشید. تخیل خود را به کار گرفته و وانمود کنید، به پول مورد نظرتان رسیده اید. احساس خوبی در مورد پول داشته باشید تا به سوی شما سرازیر شود. شاد بودن، سریعترین روش سرازیر شدن سیل پول به سمت شماست. سعی کنید وقتی به وسیله ی مورد نظرتان می نگرید، بگویید: من از عهده ی خرید آن بر می آیم. من می توانم آن را بخرم. بدین ترتیب، تفکرتان را تغییر داده و احساس بهتری درباره ی پول به دست خواهید آورد. اگر می خواهید پول بیشتری به دست آورید، پول بیشتری خرج کنید. وقتی در این باره سخاوتمند باشید، احساس بهتری کسب کرده و غیرمستقیم عنوان می کنید: من پولدارم. تصور کنید چک های بسیاری به سوی شما در حرکتند. به ثروت بیندیشید.

دنیا چیست؟ دنیا صحنه‌ی تئاتری است که ما مردان و زنان بازیگر آن هستیم. (شکسپیر)

دنیا باور- دنیا همین حال- همینجا- همین کار- باور- باور را بارور کنیم.

نسبت به نزدیکترین کسان خود غریبه‌ترینند محمد (ص)

قصه آقا و خانم دکتر از آمریکا و شعر من (الریزی قده دلا)

ریلی فکر نکردن

۸۵ درصد از نوابغ ما تحصیلات مرتبط ندارند

اندیشه‌های شماست که به صورت خارجی درمی آید.

شما باید که با حرکت خود دنیایان را متحول می کنید.

امید به آینده (اگر امید نبود هیچ باغبانی گل نمی کاشت)

باور درونی

خواستن را مانند لباس بر تن کنیم

کم نخواهیم باور بر دانستن و آگاه بودن

اولین قدم دگرگونی (متحول کردن ضمیر درون است)

باورها در درون اختیاری است.

انرژی و باور

شما موجودی معنوی هستید. شما انرژی هستید و انرژی نمی تواند خلق یا نابود شود. تنها شکل آن است که

تغییر می کند.

همه چیز انرژیست. شما مغناطیس انرژی هستید و همه چیز را به صورت الکتریکی به خود است.

(اندیشه غالب یا نگرش ذهنی همچو مغناطیسی است):

مشابه‌ها همدیگر را جذب می کنند. بنابر این وقتی به موضوعی فکر می کنید، افکار مشابه آن را نیز به ذهن

خود راه می دهید.

تفکرات ما همانند مغناطیس عمل کرده موجی مخصوص به خود را دارند. همین که شما فکر می کنید،

اندیشه تان را به کل عالم مخابره می کنید. آنها نیز با توجه به خاصیت مغناطیسی خود، همه تفکرات مشابه با

طول موج یکسان را جذب می کنند. هر چیزی که به بیرون فرستاده می شود، به منبع اصلی خود باز

می گردد، این منبع شماست. (دالان‌های انرژی)

شما همچون برج انتقال انسانی هستید و امواج را با افکارتان منتقل می کنید. اگر بخواهید چیزی را در

زندگیتان تغییر دهید، لازم است با تغییر اندیشه‌های خود، امواج را تغییر دهید.

افکار اکنون شما زندگی آینده تان را می سازد. هر چه به موضوعی بیشتر فکر کنید، همان در زندگیتان ظاهر خواهد شد.

این اندیشه‌های شماست که متجلی شده و صورت خارجی پیدا می کند. انتظار به موفقیت، نیروی قدرتمندی ست. انتظار آنچه که می خواهید بکشید، نه آنچه را که نمی خواهید. قانون این است که مشابه ها همدیگر را جذب می کنند در نتیجه نگرش ذهنی همواره وضعیتی را جذب می کند که با ماهیت آن مطابقت داشته باشد. (چارلز هانل).

باور و ذهن

منشا عالم هستی تفکر است. ما نه تنها خالق سر نوشت خودمان هستیم، بلکه سرنوشت عالم هستی نیز در دستان ماست.

هیچ محدودیتی در افکار و ایده‌های شما نیست. تمامی دانش‌ها، کشفیات و اختراعات در ذهن جهانی حضور دارند و منتظر ذهن بشر هستند تا آنها را صورت بشری ببخشند. همه چیز در ضمیر خودآگاه شما وجود دارد.

اگر می خواهید هر چه سریع تر به خواسته تان برسید، آن را واقعیت مطلق ببینید تصور آنچه از خود می خواهید در دست خود شماست البته با اطمینان کامل و نیت قلب اگر بخواهیم. تصور کنیم آنچه را که می خواهیم در اختیار ماست، به ما تعلق دارد و در هنگامی که می خواهیم مال ماست (چراغ جادو) (روبرت کولیر) شما قدرت آن را دارید که به واسطه‌ی اندیشه و احساس خود تجهیزات نامحدود زندگی را به کار بگیرید و تجربشان کنید.

داستان خوشه انگورزن کشاورز و قباد پادشاه ساسانی
مطالعه نوروها در زمان خوارزمشاهیان ۸۰۰ سال قبل
مطالعه در زمینه گردش خون توسط ابن نفیس ۹۰۰ سال قبل
ایرانی‌ها مگر خودکار استفاده می کنند دکتر ال بویز
جفت بودن کورتکس‌های مغزی در ایرانی‌ها (- میشل فوکو)
گفته ارسطو به اسکندر ارسطو استاد اسکندر آب و هوا در ایران

از درون خواستن

(خواستن توانستن) و این جمله را هم می گویم ولی...؟!
داستان موسی و چوپان که خواست چون موسی دوست خداوندت گردد.
و داستان من و سگ چوپان که اینجانب آیه ۱۷ سوره اصحاب کهف را غلط خوانده بودم و... و داستان
بگو بسم الله از آب رد می شوی و داستان مولانا و شمس

داستان به جدم قسم در سنگده

مثبت اندیشی (خوشبینی)

خوشبینی (امید)

اعتقاد (۵۰+۱۰ نه ۹۰+۱۰) (خوشبین هستم) اعتقاد به درون

نتیجه خوشبینی

– شفای بیماری

– پایین آمدن مصرف اکسیژن

– کاهش اسید لاکتیک بدن به اکسیژن

– بالا بودن آن موجب اضطراب، خستگی، کوفتگی و اختلالات فیزیکی

– بالا بودن مقاومت بدن در مقابل بیماری

– تلقین اندیشه مثبت را برای انجام کار بیشتر می کند.

– کم کردن فشار قلب

– آرامش و استراحت مانند خواب

– تطبیق امواج

– آرامش روانی

– ثابت نگه داشتن اعصاب

– افزایش هوشیاری

– افزایش واکنش

– علاقمندی به شغل

– خودشناسی

– افزایش باور-کم کردن افسردگی

– کم کردن تنگی نفس و کم کردن آلرژی

– کاهش و کم کردن مصرف الکل

– تعادل وزن

– موفقیت در کارهای ورزشی

– تمرین و تکرار

– استفاده از زمان

سن

من سنک و چوب را دوست دارم.

با عشق و احترام با خودتان رفتار کنید تا محبت و احترام دیگران را نیز به خود جذب کنید. اگر احساس بدی نسبت به خودتان داشته باشید، مانع از حرکت عشق به سمت خود شده و در عوض افراد و شرایطی را به خود جلب می‌کنید که این احساس در شما افزایش می‌دهند.

جنسیت

(زنان در خلق ایده‌های بدیع استعداد بیشتری از خود نشان داده‌اند)

خلافت در زنان در دهه ۴ و ۵ رشد می‌کند.

خلافت در زنان پس از فرزندآوری رشد می‌کند چون علاقه و تجارب با هم موجب اعتماد به نفس می‌گردد.

خلافت فقط نقاشی و نشتن کلمات ادبی نیست بلکه رویارویی با چالش‌هاست و حل آنها که در زنان وجود دارد.

بوعلی و کودکی قرار بود حمل آتش نماید.

مردها در یک سیر زندگی قرار دارند و این موجب شهرت می‌گردد.

خلافت در زنان صرف حل چالش‌ها می‌گردد.

زنان به دلیل عاطفی بودن انرژی آنها صرف موارد دیگر می‌گردد.

زنان شدید به پدر مادر و مرک خانواده وابسته هستند.

زنان داری مسئولیت پذیری بالا هستند.

خانم‌ها ۷۰۰۰ کلمه آقایان ۳۰۰۰ و در این راستا خانم‌ها فکر می‌کنند که به آنها بی‌توجهی می‌شود؟

خوشبختی و خوش بودن

حضرت حافظ

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن	منم که دیده نیالودم به بد دیدن
وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم	گر در طریقت مانیم رنجیدن
این غافله عمر عجب می‌گذرد	دریاب دمی که با طرب می‌گذرد
جائی که تخت و مسند جم می‌رود بر باد	گرغم خوریم خوش نبود به که می‌خوریم
روز نخست چون در رندی زدیم به عشق	شرط آن بود که جز ره در این شیوه نسپریم (حافظ)
زیر بارند درختان که تعلق دارند	ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد
ای عروس هنر، از بخت شکایت منما	حجله‌ی حسن بیارای که داماد آمد
مطرب، از گفته‌ی حافظ غزلی مست بخوان	تا بگویم زعهد طربم یاد آمد (حافظ)

ایمان: اول شناخت بعد ایمان: ایمان و اراده (برای فرد با ایمان توضیح لازم نیست ولی برای کسی که ایمان ندارد هر توضیحی بی فایده است)

شناخت

مقایسه انسان با حیوانات

- مقایسه خود با حیوانات مقایسه آدم با مورچه
- تعداد سلول‌های عصبی مورچه ۲۵۰ عدد.
- تعداد سلول‌های مغز بشر ۱۰۹ × ۱۰ عدد.
- رنج شنوایی انسان ۵-۱۵ در حالی که سگ تا ۴۰۰۰
- عقاب تا ۶۰۰۰ متر یک موش را می‌بیند.

شناخت نکات منفی

شناخت و بازی انسان و شیر
تشخیص و شناخت ارزش حقیقی انسان عامل قطعی در ساخت اعتماد به نفس به شمار می‌رود

تلاش و پشتکار

ذره را تا نبود همت والا حافظ طالب چشمه خورشید درخشان نشود
نمی‌دانم عقل چه کار کرد ولی همت کار از پیش برد
خواهی شوی خوش نویس هی بنویس هی بنویس
کار نیکو کردن از پر کردن است.

کوشش

ذره را تا نبود همت والا حافظ طالب چشمه خورشید درخشان نشود
(انرژی فکری بیشتر از استعداد خلاقیت موثر است و تفاوت عمده در خلاقیت نیروی محرک است نه استعداد)

خواهی شوی خوش نویس هی بنویس هی بنویس
اعتقاد به ممکن بودن (پله اول داناتر)
داناترین آدم اگر بگوید مگر می‌شود یعنی هیچ
ساده‌ترین آدم وقتی می‌گوید همه چیز ممکن است یعنی دانایی.
به خوشبختی فکر کنید.
از آنچه در درون شماست دنیای خود را خلق کنید.

الگوپردازی: (حرف بزرگ شنیدن)

نصیحت گوش جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادتمند سخن پیر دانا را

حدیث مطرب و می گو هزار دهر کمتر جوی

که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معنا را (حافظ)

الگوپردازی یا ادا در آوردن

بازی تنیس من به شکلی که ادی بازیکنان را در می آوردم.

ادا در آوردن حضرت موسی (ع)

سفر: بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

پرسش های از طبیعت؟ و پیامبر شدن، از سنک و چوب، از آب و درخت و...

– هنر

– دقت

– هوشمندی: (نسبت مستقیم بهره هوشی با خلاقیت)

– خانوادگی: (شیوه تربیت و منش رفتاری خانواده)، خانواده های جنگجالی، خانواده های آروم، خانواده های

روحانی

– تحصیلات

– ریلی فکر کردن

– کانالیزه کردن: (تفاوت کمی بین افراد همسن دانشگاه دیده و غیر آنان وجود دارد).

– موقعیت اجتماعی

– اوقات فراغت مناسب و زمینه های خود شکوفایی

– تفکر آزادمنشانه: (فکر قادر بودن توانایی)

– مستقل اندیشیدن

– فراغ فکر

– مسولیت پذیری: که در خانم ها زیاد است به عنوان یک آیتم مهم

– عوامل محیطی

– همگنی خود با طبیعت هم سو بودن و بالا بردن سرعت

– محیط کار (که آنچه پرورش می دهند می رویم)

– تغذیه (تاثیر املاح داخل آب در خصوصیات اخلاقی)

– انگیزه ها

- هدف بوجود آمده
- دیدن نکات منفی طرح
- قطع عوامل دست و پا گیر
- دوری از منفی بودن

منفی نبودن

تمرکز شما بر جنبه‌های منفی هیچ کمکی به عالم هستی نمی‌کند. وقتی به حوادث منفی پیرامونتان دقیق می‌شوید، نه تنها بر شدت آنها می‌افزایید بلکه مشکلات بیشتری را هم به زندگی خودتان وارد می‌کنید. همه چیز این جهان را تعریف و تحسین کنید تا تمام نکات منفی از بین رفته و با بالا ترین بسامد که همان عشق است، همسو شوید. عشق به کار به یار به پول و... به جای دقیق شدن بر مشکلات جهان، توجه و انرژی خود را به اعتماد، عشق، فراوانی، آموزش و صلح معطوف کنید.

مثبت بودن

بر خصوصیات خوب و مثبت خود تمرکز کنید تا قانون طبیعت ویژگی‌های خوب بیشتری را نشانتان دهد. اگر می‌خواهید رابطه‌ی خوبی داشته باشید بر خصوصیات مثبت فرد مقابلتان دقیق شوید، نه مواردی که باب میلان نیست.

کار گروهی

کار گروهی و مشورت (۱-۱۱۱-۱۱) بیست مصباح از یکی روشتر است - کین خردها چون مصباحی نور است.

ایجاد فضای مناسب

صبر (از سقف می‌آیم جدیداً) داستان من و معاون وزیر (آقا انشالله بگو)

(اندکی باید که در مثنوی تاخیر شد مهلتی باید که خون هم شیر شد)

مقابله با هر گونه عذر

انتقادپذیری

توجه به شکست

من به اندازه‌ای که از شکستم درس گرفتم از موفقیتم درس نگرفتم.

هرکس زیارت مدینه بیاید و کوه احد را زیارت نکند بر من جفا کرده است محمد (ص)

بازی‌ها و سرگرمی‌ها

ورزش

مطالعه

افلاطون و مطالعه در طبیعت و کتاب خانه او

مطالعه تنها نشخوار کردن افکار دیگران

مطالعه در طبیعت

طبیعت و آموزگار

شیوه ای که پیامبران آن را اعمال میکردند

روحیه

داشتن روحیه در هر کاری متناسب با همان کار باید بررسی و جزعی از الزامات می باشد.

داستان بستنی فروشی من و نداشتن روحیه در ساعات اولیه سفر ولی بعداً چقدر با روحیه شدم (امامزاده عباس ساری)

می گویند افلاطون برای فردی نان به بازار می رود و نمی تواند نان را بفروشد آخر اولین نفر که پرسیده بود نان چند گفت کمی و یا کیفی و تا غروب بحث در مورد کمی یا کیفی بالا گرفت

براساس ظرفیت حرف زدن

آری بر اساس ظرفیت حرف بزیم تا حرفمان در اشخاص نفوذ کند چون انسانها با اساس ظرفیتها حرفها را درک و اجرا می کنند و ما نیز به درونمان بر اساس ظرفیت ساخته خودمان باید حرف بزیم پس اول ظرفیت را به وجود می آوریم و بعد تمرین می کنم و بعد حرف می زنیم و بعد در دیگران بعد از به باور رسیدن خودمان باور ایجاد می کنیم.

پیامبر (ص) و سوال یکسان سه نفر و جواب مختلف ایشان برای سوال اندازه زمین در مقابل خورشید و مقایسه آن اول - به اندازه کف دست. دیگری به اندازه سفره و دیگری به اندازه زمین اسب دوانی.

شیوه آموختن و گرفتن و دادن

شیوه آموختن و گرفتن و دادن ایده ها

دنیا بزرگ است و کهن و شیوه آموزشی مختلف است. تمام افراد را با یک نمونه نمی توان درمان کرد یک نفر را با بحث فلسفی قانع می کنیم یکی را با نسخه عرفانی و دیگری را از راههای دیگر. موضوع بحث ابوعلی سینا و ابو سعید ابالخیر (آنچه را تو می دانی من می بینم و آنچه را من می بینم تو می دانی)

پیگیر بودن (پشتکار)

سه (مچ) بودن بزکوهی با دو (مچ) بر روی سنگهای کوه راه می رود حال اگر سه مچ داشته باشد چطور؟ پیگیر بودن کارها و ممتد به آن فکر کردن (مانند ریختن آب و اگر ممتد نباشد...)

از نقطه نظر عمق و یا فاصله در سطح آب نمی گیرد چون انرژی هدر می رود.
ذره را تا نبود همت والا حافظ طالب چشمه خورشید درخشان نشود

مدیتیشن

نگهبان خود بودن

(داستان نگهبان کاخ و نگهبان آب؟)

همکن کردن

یا سبب را به پایین بیاورید یا خود را به سبب برسانید تا هم سبب از خودش لذت برد و هم شخصی از خوردن سبب در هر دو حالت برای فهم یک مطلب و یا فهماندن مطلبی باید زمینه همسطحی را محیا کرد.
همزمان بودن

استفاده از تجربه دیگران

(تعریف درست تجربه چرا که لازم نیست بلکه از تجربه دیگران یاد بگیریم آری لازم نیست با گاز بسوزیم، با کبریت، با زغال و... بعد بگویم که انسانی با تجربه هستیم.
کم کردن زمان به جهت یادگیری

نوشتن و حرف زدن

ما در مقابل قدرتی عظیم هستیم که خود ما تک تک از نقطه نظر وزن و حجم کوچک هستیم پس با داشتن یک مطلب می توانیم بگوئیم کم می دانیم. ولی بزرگ ادیان محمد (ص) می فرمایند
ما هر کدام تکه ای از خدا هستیم و از آنی که هستیم خود را کمتر ندانیم
پس برای خدا شدن خود زحمت می کشیم
(استاد نمیران - پرو پسر - ۲۰ مال خداست)
اگر در جمعی مورد تشویق قرار گرفتی فاصله بگیر تا منیت شما را می گیرد علی (ع)
آری ما انسان های منطقی با معجونی از آنها می توانیم آدمی موفق و قوی شویم. و چون قوی تر شویم
پربارتر سر به زیر تر!

نوشتن و گفتگو

(بیاید با نوشتن علم را در بند کشیم محمد (ص))
از ارسطو پرسیدند که چرا از استادت ایراد میکیری گفت من حق کویی را از استادم بیشتر دوست دارم
دوست شدن با خدا (انشاءالله گفتن) و انشاءالله نگفتن محمد (ص)

به این که خداوند بزرگ است مجموعه ای از همه انرژی های هستی است پس اگر کمی از خواص خود را چون دارای- دانای- توانایی - پول و را به ما بد هد نه این که دانش بزرگ است یک مشت دارایی به من دهد در دید دیگران بزرگ جلوه می کنیم.

هر چه دوست ما قوی تر باشد ما نیز

توجه داشتن

به سادگی از کنار هر چه نگذریم و این گوش درب و آن گوش دروازه نباشد کمی اجازه دهیم که شنیده ها توسط گوشمان در مغز ما بماند تا پردازش شود.

علت و معلول برای هر چیز هر تعقیر

داستان سیب و نیوتون

تمرکز در ذهن؟؟

من مقصر نیستم

چه کسی مقصر است؟

(خدا کرده را تدبیر نیست یک من شیر هم کم شیر نیست).

گدا مستحق گدائی است و عمومی من اگر دارا است مستحق دارا بودن است. ما هرگاه در کاری نتوانیم کاری را انجام دهیم به گردن دیگران می گذاریم و اگر نفهمیم در صندوق مسائل خرافات می گذاریم. در حالی که این ضعف از آن خودمان است.

دیگران پر شانس هستند ما

برادرم مقصر است

جبر یا اختیار

خدا را شکر می کنیم که همه جا همراه ماست. مانند و ما و بچه مان در پارک - مانند روی یک پا ایستادن آدم ها، فهم، درک، اجرا، سبزه و بچه (خدا و ما)، داستان محمد (ص) و معراج فرمول های موجود و یا . . .

برای کارهای فیزیکی و اثبات مبانی علمی بعضی از راهکارهای تک نیستند و چندین راه برای اجرا وجود دارد حال برای کارهای متافیزیکی و غیر ظاهری که به افکار بستگی دارد حتماً راه های بیشتری خواهد بود. لذا آدمی و هستی با توجه به تعداد اجزای آن دارای و یا $\log Lnn$ می باشد روزی به شخصی که به من مراجعه کرده بود و طلایی نام داشت و از من فرمولی برای دیدن ماورا و آدمی ماورا خواسته بود درمانده بودم ولی در نهایت گفتم برو و بیست روز به خودت دروغ نگو و روزه زبان بگیر و غیبت نکن و نماز را اول وقت بخوان آن وقت به معرفت می رسی جالب بود به هدف رسید و بگریه مهندس من امام

زمان خود را دیدم حتی به ظاهر... و جالب تر این بود که من با این فرمول کار انجام ندادم و ایشان با این فرمول ساده چراغی را روشن کرد و نادیدنی ها را دیدنی می کرد.

و یا مثال بابا طاهر و آب یخ و مردی که برای شاعر شدن خود را به درون آب یخ انداخته بود.

موانع خلاقیت

- فراهم نکردن همه زمینه های خلاق شدن که در قبل گفتم و موارد زیر
- عدم تشویق و حمایت از نو اوران نپذیرفتن ریسکو اشتباه
- عدم دسترسی به منابع و سیستم ادلری نداشتن وقت آزاد
- عدم پاسخ سریع نپذیرفتن پیشنهادات
- عدم اطمینان از سرقت ایده ها
- انزوا بودن افراد خلاق فقدان سیستم پاداش
- تعارض تنش و نارضایتی کارکنان اعتقاد به این که نوآوری به سادگی به دست می آید
- بدبین بودن
- فیلترهای سازمانی
- تضعیف نمودن افراد خلاق ندادن اطلاعات روز
- عدم استفاده از مشاوران قوی عدم کاشت بذر در بین دانش آموختگان
- استرس
- ترس از انتقاد فشارهای جسمی
- خودپرستی و غرور
- خصوصیات احساسی بد در آدم ها که می تواند مانع خلاقیت شود.
- عادات پیشین مانع حل مسائل
- خصوصیات فیزیکی (که اثر مثبت یا منفی بر آدمی دارد)
- نبود باور: طرح های نو همیشه در اوایل دارای مشکلات است چون فهم مشکل می باشد و اختراع نو به سختی پذیرفته می شود.
- ارزیابی افراد بر مبنای انتظارات: (ترس از ارزیابی توسط دیگران) (باید کار برای خود باشد نه برای دیگران)
- نظارت و مراقبت (احساس تحت نظر بودن): از طرف خانواده، معلم، همسر، دوست و...
- پاداش بیرونی (عدم توازن بین پاداش و عمل)
- رقابت: رقابت نه حسادت یا باید طوری برخورد کرد تا طرح نو بماند. (محدود نکردن آزادی دیگران)
- مقایسه خود با دیگران نشانه ضعف است.

- انتخاب محدود (محدودیت چگونگی انجام کار)
- آزمون و خطا نباید محدودیت داشته باشد. ادیسون و ۴۷۸۷ بار اشتباه و یا راه نرسیدن به برق؟
- گرایش به پاداش‌های بیرونی: (افراد خلاق برای محرک‌های درونی ارزش بیشتری قائل هستند).
- کم‌روئی
- دلسرد کردن
- ترس
- دوری از احمق جلوه کردن
- هم رنگ شدن
- عدم اعتماد به نفس
- استرس و ترس سلول‌های عصبی را از بین می‌برد.
- سنگ اندازی‌ها: (مثل قطار به گفته طالقانی)
- نمی‌شود و نمیتوانم من میدونم کالیور: کلیک کردن و ویروس نمی‌شود.
- عدم تعلق
- احساس ترس (قانون کپی رایت): احساس بیم و خطر از مشارکت از سوی هر یک از طرفین کارکنان و مدیران
- عدم وجود خصلت‌های کار گروهی
- کمبود آموزش‌های لازم
- ضعف مدیریت

راهکارها

- کم کردن ضعف مدیریت
- استعدادیابی: استعدادیابی کودکان و جدا نماندن در مقاطع تحصیلی متفاوت و جهت دادن به شکوفایی استعدادهای درخشان یک دولت و یک ملت از دوران کودکی (چرا که خلافاکاران به نوعی خلاق هستند ولی جهت داده نشده‌اند).
- اختصاص یک اتاق فکر با تخم ایده‌هایی که در آنها می‌کاریم.
- شناخت نیروهای بالقوه: اگر قرار باشد کشوری پیشرفت نماید باید بر لب جوانان آن کشور چرا جریان داشته باشد و دولت مردان برای پاسخگویی به چراها امکانات فراهم نموده تا این نیروها بالقوه به نیروهای بالفعل تبدیل شوند.
- اختصاص منابع مالی و خوب و درست در پذیرش طرح‌های نو و ایده‌های نو: سرمایه‌داران بی‌دستمایه کسانی هستند که دارای خلاقیت می‌باشند زمینه مادی حمایت آنها باید فراهم گردد.

- پیرانرزی بودن: ارج نهادن به ایده چرا که هر کس دارای توانمندی خاص در جهت های مختلف می باشد و یک شخص نمی تواند شاید هم ایده دهد و هم آن را بپزد و تخم ایده گذار باشد مراحل تخم ایده تا وارد بازار کردن را به تنهایی انجام دهد. (امرهم شوری بینهم)
- یک ژاپنی یک ایرانی...)
- کم کردن دست اندازهای اداری: نبود یک سیستم اداری سالم یکی از دلایل طولانی شدن پروژه های تحقیقاتی در کشور می باشد.
- تبلیغ فرهنگ نوآوری (رسانه ها)
- داشتن یک الگوی خاص
- ارج نهادن به زمان: نامه های اداری که اگر قرار باشد آب و یا باد آن را جابجا نماید زود تر به دست مخاطب می رسد در فاصله کوتاه زمانی بسیار طولانی را تا مدت چندین ماه به طول می انجامد تا به یک مرکز ارجاء شود و این یکی از عوامل و معضلات نو نماندن طرح های نوآوران می باشد. قصه (نور محمدی و زمان)

رفع موانع خلاقیت: راهکارها به صورت کلی

- استفاده از مراکز مشاوره قوی
- استفاده از مدیران قوی به جهت مهارت مادی و معنوی
- تجمع مخترعین و ساخت کارکردهای مرتبط
- به کارگیری صنعتگران در دسترسی به ساخت ابزار (شناخت مراکز قوی صنعتی و الکترونیکی)
- راهکارهای شناخت مراکز لینک داخلی و خارجی
- ارتباط قوی با محیط های دانشگاهی و پژوهشی
- کاشت بذر ایده در بین محققین. دانش آموختگان
- بالا بردن فرهنگ نوآوری در بین احاد مردم از جمله قشر تحصیل کرده
- ساخت یک سایت و استفاده از اتفاقات دنیا
- همکاری قوی با رسانه ها تلویزیون و روزنامه به جهت شناخت راه های
- در کشور متولی خاصی نداریم و هر کس به وزارت علوم مراجعه می کند به هر شیوه ممکن و در نهایت در حد تایید طرح ها و اگر شما دستگاهی بسازید برای نمونه می گویند خوب ساخته اید ما چکار می توانیم بکنیم و مخترعین را از سر خود وا می کنند و این امر موجب این شده که دلسردی از اختراع کردن در وجود جوانان این مرز و بوم به وجود آید و گروه هایی بسته و گریخته برای حمایت تشکیل می شوند که آنها هم دستشان باز نیست و ساپورت (حمایت) مالی نمی شوند.

تشویق: تشویق نوآوران موجب افزایش نوآوری می‌گردد و جامعه را راغب به تحقیق و فکر کردن می‌نماید آیا به نظر شما دنبال تویی رفتن آنقدر ارزش دارد که دنبال علم و تحقیق رفتن ندارد در حالی که برای بازیکنان تشویق‌های آنچنانی ولی برای مخترعین هیچ دادن امکانات زمینه و بستر آزمایشات میدانی را بدون وقفه و فوت وقت برای نوآوران آماده کنیم و آزمایش و خطا را برای پیشرفت اصل بدانیم.

کار گروهی (تبلیغ آن)

برای کسانی که که ایده نو دارند و تخم ایده می‌گذارند کارگروهی را تعریف نماییم تا به جهت تکمیل طرح‌ها تلاش کنند.

آینده‌نگری کشورها

برای جذب مغزها: آیا فکر کرده‌اید چرا مغزها فرار می‌کنند و جریان عظیم به سمت غرب و اروپا در حال حرکت است بله به این جریان به مرکزی می‌رود که خریدارند. چطور آن کشورها پیشرفت نکنند؟ به نظر شما مغزها فرار می‌کنند و یا مغزها را فراری می‌دهیم؟

محلی برای تبادل نظر: برگزاری همایش ایده‌های برتر در کشور می‌تواند زمینه تحولی عظیم را ایجاد نماید و بازار خرید و فروش ایده یا تبادل نظر باید در کشور در تمامی گرایش‌ها به وجود آید.

تشکیل سایت: ایجاد سایت مخترعین کشور می‌تواند گامی بزرگ برای شناساندن افراد مخترع کسانی می‌توانند بر روی طرح‌های دستمایه گذاری نمایند.

نبود محدودیت مدرک: بیش از ۹۰ درصد افراد نوآور در خارج از گرایش خود به نوآوری می‌پردازند و بیش از ۳۰ درصد افراد تحصیلات آکادمیک ندارند که فکر خلاق دارند و مخترع نام می‌گیرند باید نظر کرد و در دانشگاه‌ها ایرادی را که موجب می‌گردد تحصیل کرده‌هایمان با سواد نباشند و خلاقیت نداشته باشند را یافت و برای مخترعین تحصیلات آکادمیک را مدنظر قرار ندهیم.

طلب حمایت از جامعه برای مخترعین: اگر برای ماشین در منطقه ممنوعه کارت طرح ترافیک می‌دهیم پس برای اشایه فرهنگ نوآوری و افزایش خلاقیت و به سطح آوردن ایده‌ها و گیر نکردن مخترعین در کاغذ بازی‌های اداری برایشان کارتی صادر تا سرعت نوآوری کم نشود.

تحقق بخشیدن شعار (شناخت، هدایت، حمایت)

مخترعین در انزوا زندگی می‌کنند و مراکز به اصطلاح حمایت‌کننده یا کار گروه ندارند و یا اگر دارند فعال نیستند و کاری جز لینک کردن ندارند نوآوران به سختی نفس می‌کشند در حالی که نفس را آنها به جان می‌بخشند و در وزارت خانه همین بخش جایگاهی ندارند.

